

## ژئوپولیتیک انرژی و تاثیر آن بر اقتصاد رانتهای ایران در راستای ارائه یک راهبرد ملی

ابوالفضل زینلی

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار ایران

حیدر لطفی<sup>۱</sup>

دانشیار جغرافیای سیاسی و گردشگری، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار ایران

عزت اله عزتی

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۱/۲۵

### چکیده

صاحب نظران حوزه اقتصاد سیاسی به استناد روندهای جاری در اقتصاد سیاسی بین‌الملل قرن ۲۱ را قرن ژئواکونومیک نامیده‌اند زیرا بر این باورند یکی از مهم‌ترین چالش‌های مهم جهانی در این قرن رقابت بر سر منابع انرژی با تأکید بر نفت و گاز است. کشورهای حوزه خلیج فارس منجمله ایران اعظم درآمدهای خود را از فروش نفت خام بدست می‌آورند و اقتصاد تک محصولی آنها نفتی نیست بلکه وابسته به نفت است و این درآمدها از طریق دولت از مجرای بودجه به اقتصاد این کشورها تزریق شده که کاهش قیمت نفت شدیداً بر اقتصاد آنان تأثیر گذار می‌باشد. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی، آمارها و نمودارها و همچنین روش دلفی تأثیرات پدیده رانت و دولت رانتیر با مطرح شدن نفت به عنوان عامل ایجاد دولت‌های رانتیر مورد بررسی قرار گرفت و در پی آن نظریات دولت و اقتصاد رانتهای برای تبیین و توجیه فقدان توسعه یافتگی سیاسی و اقتصادی در کشورهای متکی به درآمد حاصل از رانت مورد استفاده قرار گرفت. اتکا به درآمدهای بادآورده حاصل از رانت نفتی بر ساخت دولت، روابط دولت و جامعه و در نهایت بر اقتصاد کشور، پیامدهای منفی داشته و موجب تشدید روحیه رانت جویی و مصرف‌گرایی در جامعه می‌شود و از طرفی دولت را تبدیل به توزیع کننده رانت خواهد نمود. کشور ما طبق نظریه جفری کمپ علاوه بر در اختیار داشتن دومین منابع انرژی فسیلی (نفت و گاز) جهان در مرکز هارتلند استراتژیک جهان واقع می‌باشد اما با داشتن اقتصاد رانتیر بعثت تحریم‌ها و تأثیرات آن در ابعاد داخلی و خارجی و از طرفی با در نظر گرفتن ویژگی‌های صنعت نفت که مستلزم سرمایه‌گذاری کلان می‌باشد نتوانسته آنچنان که باید در جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، دستیابی به دستاوردهای فنی و تکنولوژی روز به منظور استفاده بهینه جهت استخراج انرژی و ... عملکرد قابل قبولی داشته باشد این تحقیق ضمن معرفی ابعاد و پیامدهای دولت رانتهای با ارائه راهکارهایی برون‌رفت این موضوع را نشان دهد.

**واژگان کلیدی:** اقتصاد سیاسی، خلیج فارس، دولت رانتیر، رانت، ژئوپولیتیک انرژی.

## مقدمه

امروزه اغلب اندیشمندان اقتصاد سیاسی اجماع دارند که فرایند توسعه‌یافتگی سیاسی و اقتصادی و امنیت کشورهای صادرکننده نفت تحت تأثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی این کشورها قرار دارد. تأثیرپذیری حیات سیاسی و بطور مشخص امنیت ملی از نفت در چند دهه اخیر نمونه‌های متفاوتی دارد. برخی از ویژگی‌های صنعت نفت از قبیل وابستگی به فراز و نشیب تقاضا و مصرف در بیرون از مرزهای ملی، وابستگی صنعت نفت به تکنولوژی پیچیده کشورهای صنعتی و شرکت‌های چند ملیتی، وابستگی به سرمایه‌گذاری کلان برای اکتشاف و استخراج، کنترل قیمت نفت توسط نیروهای بین‌المللی، گستره و عمق تأثیرگذاری این ماده را بر سرنوشت ملی بیشتر کرده است.

به این ترتیب می‌توان گفت که وابستگی کشور ما به درآمد نفتی در عرصه اقتصاد بین‌الملل یک جنبه از موضوع است و جنبه دیگر آن در تقابل امنیت ملی کشور با درآمدهای نفتی تأثیری است که نفت در عرصه داخلی بر حیات اجتماعی و اقتصادی دارد. متأسفانه باید اذعان داشت که اگر نفت را از اقتصاد ملی حذف نماییم تمام ارکان حیات اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی ما به شدت تحت تأثیر قرار می‌گیرد. تزریق سرمایه به بخش صنعت، واردات کالاهای اساسی، تأمین و دستیابی به تکنولوژی نوین صنعتی و نظامی و تأمین انرژی داخلی به درآمدهای نفتی وابسته است. به عبارتی صریح‌تر امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و حتی از دیدگاهی فراتر امنیت و ثبات سیاسی کشور تحت تأثیر درآمدهای نفتی و به عبارتی اقتصاد نفتی می‌باشد. درآمد نفتی ایران نقش اساسی در اقتصاد سیاسی ایران در طول یکصد سال گذشته ایفا کرده است. از لحاظ تاریخی جدا از رقابت‌های بین‌المللی برای دستیابی به امتیاز بهره‌برداری از این منبع عظیم، تخصیص و توزیع این درآمدها که در اختیار دولت پیش از انقلاب بوده مشکلات و بحران‌های اقتصادی اجتماعی شدیدی همچون تورم، عدم کارایی، فساد و مصرف‌گرایی را بوجود آورده بود. پس از پیروزی انقلاب، درآمدهای نفتی پشتوانه مالی بسیار محکمی برای اجرای سیاست‌های داخلی و خارجی دولت بوده است، اما همچنان بخش عظیمی از اقتصاد ایران متأثر از پدیده رانت می‌باشد، زیرا درآمدهای بادآورده نفتی در دوران جمهوری اسلامی ایران همچنان به عنوان مهم‌ترین منبع درآمد دولت محسوب می‌شوند.

آنچه مسلم است توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورهای جهان بر محور انرژی (نفت و گاز) است. خلیج فارس بعنوان بزرگ‌ترین منبع انرژی جهان مورد توجه خاصی قرار دارد، لذا امنیت منطقه‌ای در خلیج فارس تبدیل به موضوع امنیتی جهانی شده است.

در سال‌های اخیر هر گونه تلاقی که بین ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک در جهان رخ داده تأثیر خود را بر عوامل جغرافیایی کشورها نمایان ساخته است. یکی از مناطقی که از گذشته جایگاه ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژی داشته و هم اکنون اهداف ژئواکونومیکی قابل توجهی دارد حوزه خلیج فارس است.

خلیج فارس یکی از مهم‌ترین مراکز ثقل مناسبات ژئوپولیتیکی و بین‌المللی است که تحت سیطره دو قلمرو ایرانی و عربی قرار دارد منطقه ژئوپولیتیکی خلیج فارس متشکل از ۸ کشور ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر و امارات متحده عربی و عمان می‌باشد. از سال ۱۹۰۸ هنگامی که نخستین چاه در ایران به نفت رسید اهمیت جهانی نوین خلیج فارس آغاز شد. امروز این اهمیت جهانی در ذخایر گسترده انرژی منطقه که گسترده‌ترین ذخایر

جهان است نهفته می‌باشد و این در حالی است که ذخایر موجود انرژی در دیگر بخش‌های جهان رو به پایان می‌رود. عوامل دیگری که بر اهمیت این منطقه می‌افزاید گستردگی امکان صدور و ارزانی تولید نفت است (مجتهدزاده، ۱۳۸۵: ۱۳).

خلیج فارس دارای ذخایر عظیمی از نفت است. کشورهای خلیج فارس بیش از ۶۲ درصد منابع جهانی نفت خام و نزدیک به ۴۰ درصد ذخایر جهانی گاز طبیعی را دارا می‌باشند که در این میان عربستان با ۲۲/۵ درصد و ایران ۱۱/۵ درصد از سهم جهانی در منطقه بیشترین سهم را دارا می‌باشند.

پس از سقوط جهان دو قطبی، گسستی در نظام سیاسی جهانی پدید آمده است برخی از صاحب نظران را بر آن داشت تا ایده‌هایی را درباره چگونه پر کردن این گسست و چگونگی شکل دادن به نظام ژئوپولیتیک جهان پیش کشند (مجتهدزاده، ۱۳۸۲: ۲۴۸). بعد از فروپاشی نظام دو قطبی یعنی از سال ۱۹۸۹ تاکنون که به «ژئوپولیتیک پست مدرن» معروف است اندیشه‌های ژئوپولیتیکی شکل گرفته‌اند که به نظر می‌رسد «ایده ژئواکونومی و اصالت اقتصاد در برابر نظامی‌گری» ادوارد لوتواک<sup>۱</sup> پیش از دیگر تئوری‌ها به واقعیت نزدیک است حتی در تئوری‌های ژئوپولیتیکی نظیر نظام نوین جهانی، نظام تک قطبی، چند قطبی و غیره اقتصاد و مناسبات اقتصادی به نوعی در بطن تمامی اندیشه‌های ژئوپولیتیک عصر پست مدرن نمود آشکاری دارد با پایان جنگ سرد در قرن ۲۱ شاخص رهبری برای کشورهای سرمایه‌داری و قدرتمند دیگر قدرت نظامی نمی‌باشد (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۰۶) و کارکرد ژئواستراتژی در مناسبات بین‌المللی رنگ باخته است. لوتواک معتقد است که زوال جنگ سرد در واقع نشان دهنده متغیر مسیر و حرکت نظام جهانی از ژئوپولیتیک به ژئواکونومی می‌باشد (اتوتایل و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۴۹-۲۴۹). بعبارت دیگر وی خبر از آمدن نظام جدید بین‌المللی در دهه نود می‌دهد که در آن عوامل اقتصادی جایگزین اهداف نظامی می‌شوند و عامل درگیری‌ها دیگر موضوعات قدیم نمی‌باشد بلکه در کنار هر تنشی یک عامل اقتصادی خودنمایی می‌کند.

#### مفاهیم و ادبیات

#### ژئوپولیتیک انرژی

ژئوپولیتیک انرژی به مطالعه، نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف آن بر سیاست، قدرت و مناسبات گوناگون ملت‌ها و دولت‌ها می‌پردازد. انرژی‌های فسیلی<sup>۲</sup> به ویژه نفت خام<sup>۳</sup> و گاز طبیعی<sup>۴</sup> از آن حیث که در بیلان انرژی جهان جایگاه بالایی دارند، جایگاه ویژه‌ای را در مناسبات بین‌المللی پیدا کرده‌اند و سیاست بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده‌اند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲).

#### منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس

خلیج فارس مدل یگانه‌ای از یک منطقه ژئوپولیتیک در بخش موسوم به خاورمیانه است. این منطقه مللی را شامل می‌شود که به لحاظ فرهنگی متفاوتند، ولی از نظر مشغله‌های سیاسی استراتژیک و اقتصادی هماهنگی و تجانس دارند (عزتی، ۱۳۸۶: ۵۰).

<sup>۱</sup>- Edward Luttwak

<sup>۲</sup>- Fossil Fuel

<sup>۳</sup>- Crude Oil

<sup>۴</sup>- Natural Gas

جدول ۱: میزان ذخایر، تولید و مصرف نفت در خلیج فارس و خاورمیانه در پایان سال ۲۰۱۲

کشور	میزان ذخایر (میلیارد بشکه)	میزان تولید (هزار بشکه)	میزان مصرف (هزار بشکه)	درصد از کل جهان
عربستان	۲۶۷,۹۱۰	۱۱۵۳۰	۲۹۳۵	۱۸,۱
ایران	۱۵۴,۵۸۰	۳۶۸۰	۱۹۷۱	۱۰,۴
عراق	۱۴۱,۳۵۰	۳۱۱۵	-	۹,۵
کویت	۱۰۴	۳۱۲۷	۴۷۶	۷,۰۵
امارات	۹۷,۸۰۰	۳۳۸۰	۷۲۰	۶,۶
قطر	۲۵,۳۸۰	۱۹۶۶	۲۵۰	۱,۷
خاورمیانه	۷۹۶,۶۴۰	۲۸۲۷۰	۸۳۵۴	۵۴,۵
کل جهان	۱۴۷۳,۷۶۱	۸۶۱۵۲	۸۹۷۷۴	۱۰۰

منبع: BP, 2013

امروزه، جهان ۴۱ درصد مصارف نفتی خود را از خلیج فارس تأمین می‌کند. با توجه به اینکه ذخایر نفتی بسیاری از کشورهای دنیا در ۲۰ سال آینده کاهش می‌یابد، اهمیت چهار کشور دارنده منابع نفت یعنی ایران، عربستان، عراق و کویت که هر چهار کشور در حوزه خلیج فارس قرار دارند، بیشتر نمایان شد. همچنین خلیج فارس میزان قابل توجهی از دیگر منابع پراهمیت انرژی جهان یعنی گاز طبیعی را نیز در اختیار دارند؛ هرچند به دلیل، بالابودن هزینه‌های بهره‌برداری (تولید، انتقال و توزیع) گاز طبیعی، صنعت گاز منطقه خلیج فارس عمدتاً توسعه نیافته و صرفاً طی سالهای اخیر شاهد حرکت برخی از این کشورها به سمت اکتشاف و توسعه گاز هستیم. بنابر آمارهای منتشر شده از سلوی بی. پی در سال ۲۰۱۳، ذخایر نفت منطقه خلیج فارس و خاورمیانه حدود ۷۹۶,۶۴۰ میلیارد بشکه می‌باشد که این میزان بیش از ۵۴ درصد از ذخایر نفت دنیا است. به لحاظ ذخایر گازی نیز این منطقه با بهره‌مندی از ۸ تریلیون متر مکعب از ذخایر جهان، در حدود نیمی از ذخایر اثبات شده گاز جهان را دارا است. به‌طور کلی، منطقه خاورمیانه و خلیج فارس با موقعیت منحصر به فرد ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی خود که نزدیک به ۵۵ درصد ذخایر نفتی و ۴۰ درصد ذخایر گازی جهان را در خود جای داده، از اهمیت ویژه و استثنایی در جهان برخوردار شده است. به‌طوری‌که، لوئیس و پکس زمین شرکت استاندارد اوپل نیوجرسی معتقد است که خلیج فارس ۴۰ هزار مایل مربع مناطق زیردریایی بسیار غنی نفتی و ۲۱ درصد زمین‌های زیردریایی غنی دنیا وجود دارد (فاضله، ۱۳۸۵: ۴۹).

جدول ۲: میزان ذخایر، تولید و مصرف گاز در خلیج فارس در پایان سال ۲۰۱۲

کشور	میزان ذخایر (میلیارد متر مکعب)	میزان تولید (میلیارد متر مکعب)	میزان مصرف (میلیارد متر مکعب)	درصد از کل جهان
ایران	۳۳,۱	۱۶۰,۵	۱۵۶,۱	۱۶
قطر	۲۵	۱۵۷	۲۶,۲	۱۲
عربستان	۸,۳	۱۰۲,۸	۱۰۲,۸	۳,۹
امارات	۶,۱	۲,۷	۶۲,۹	۲,۹
عراق	۳,۶	۰,۸	-	۱,۷
کویت	۱,۸	۱۴,۵	۱۷,۲	۰,۹
عمان	۰,۹	۲۹,۵	-	۰,۵
بحرین	۰,۳	۱۴,۵	-	۰,۲
کل خاورمیانه	۷۹,۱	۵۴۸,۴	۴۱۱,۸	۳۸,۱

منبع: BP, 2013

اگرچه منطقه خلیج فارس از نظر ذخایر گازی جایگاه مهمی در جهان دارد، اما از نظر تولید، وضعیت مطلوبی ندارد. در مقابل کشورهای اروپایی و اوراسیا که ذخایر اثبات شده آنها ۳۳ درصد ذخایر جهان است، با تولیدی معادل ۹۷۳

میلیارد متر مکعب در سال، سهم خود را در تولید نیز به همان اندازه ۳۳ درصد حفظ نموده‌اند و ناگفته پیداست که آنان از تمام ظرفیت منابع خود در حال بهره‌برداری هستند.

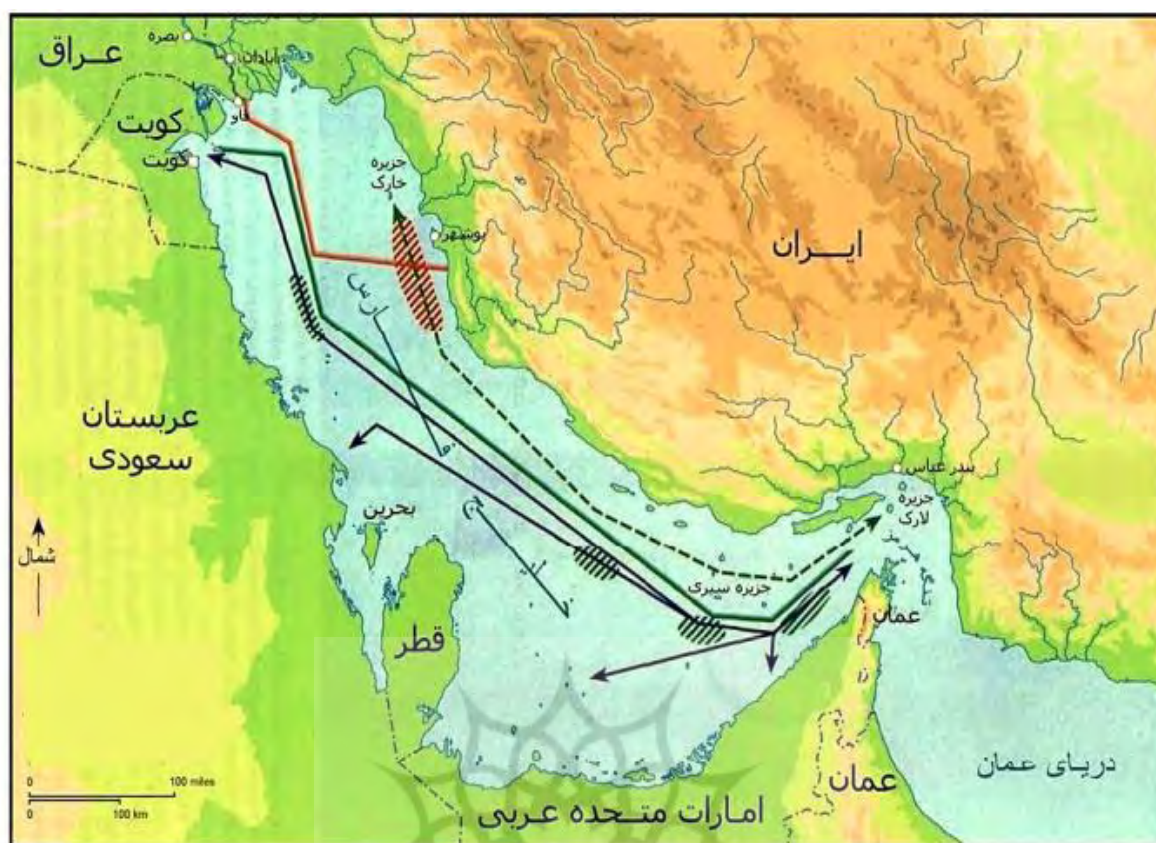
مجاورت جغرافیایی این کشورها با منطقه خلیج فارس، باعث شده است تا این کشورها برای تأمین نیازهای روزافزون انرژی خود به ذخایر عظیم گاز خلیج فارس توجه کنند. از طرفی دیگر، چالش‌های ژئوپولیتیکی روسیه (به‌عنوان تأمین‌کننده انرژی گاز اروپا) با اروپا و قطع خطوط لوله گاز در زمستان‌های طاقت فرسای اروپای شمالی در کشور اوکراین از جانب روسیه و بی‌ثباتی بازار نفت، باعث شده کشورهای اتحادیه اروپا نیز به ذخایر گاز خلیج فارس توجه کنند، و مشتریان بالقوه و بالفعل گاز خلیج فارس شناخته شوند.



نقشه ۱- موقعیت ایران در هارتلند انرژی جهان

Source: EIA,(2013).





نقشه ۲- موقعیت خلیج فارس  
(منبع: اقبالی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۵۰)

## اقتصاد سیاسی

در رابطه با اقتصاد سیاسی نظرات متفاوتی وجود دارد که هر کدام به بُعدی می‌پردازند اما نظریه‌پردازانی همچون رابرت گیلپین به نوعی نظریه‌پردازی ترکیبی در این حوزه پرداخته‌اند و سعی کرده‌اند که از جنبه‌های مثبت نظریات دیگر تا حدودی استفاده نمایند. از لحاظ تئوری نظرات گیلپین در زمره رئالیسم اقتصادی قرار می‌گیرد. اصولاً رهیافت رئالیسم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، حامل این پیام است که توسعه همکاری‌های اقتصادی بین‌الملل، محصول اراده‌های سیاسی خاصی است که آن همکاری‌ها را به نفع خود می‌بینند. با این حال، هر زمانی ممکن است تشخیص دهند چنین همکاری‌هایی به نفعشان نیست و استمرار همکاری‌ها را با اختلال یا مانع مواجه سازند (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۱۸۱). اقتصاد سیاسی، زاده وجود موازی و کنش متقابل دولت و بازار در جهان امروز است.

در بحث انرژی با توجه به نظریه ثبات هژمونیک آن کشوری که بتواند سلطه خود را بر بازار اعمال نماید و از بازار برای افزایش قدرت خود بهره برد، توان تأثیرگذاری بر دیگران را پیدا خواهد کرد. از دیپلماسی انرژی مناسب می‌توان جهت افزایش این قدرت استفاده کرد و جایگاه چانه‌زنی کشور را در بازار بین‌المللی بالا برد. از دیگر بحث‌های مرتبط گیلپین با اقتصاد سیاسی این است که به نظر او رابطه اقتصاد و سیاست یک رابطه تعاملی است. و با تأکید بر نقش بازار در این تعامل بیان می‌دارد که می‌توان از ظرفیت و پتانسیل بازار برای پیشبرد اهداف و کارآمدتر ساختن کسب ثروت استفاده نمود.. (Gilpin, 1987: 43).

## رانت<sup>۱</sup>

واژه رانت در لغت به معنی اجاره بها می‌باشد اما در اصطلاح سیاسی درآمدی است که از هدیه طبیعت استخراج می‌شود و بدون تلاش به دست می‌آید و در مقابل مفاهیمی چون مزد و سود بکار می‌رود که نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی است (حاج یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۳۶). امروزه به هر گونه امکان کسب درآمد که ناشی از امتیازات انحصاری، مجوزها و سهمیه‌ها باشد رانت اقتصادی می‌گویند و زمانی که در اقتصاد سیاسی در خصوص رانت بحث می‌شود منظور درآمدهایی است که برای دولت از منبع خارجی تأمین می‌گردد مانند درآمدهای نفتی برای کشورهای صادرکننده نفت و یا درآمدی که مصر به عنوان حق عبور کشتی‌ها از کانال سوئز کسب می‌کند. (طیبیان، ۱۳۷۱: ۳) دولت رانتیر اساساً در جوامعی ظاهر می‌شود که پیش از توسعه یافتگی به ثروت نفت دست یافته‌اند در حالیکه در جوامعی چون نروژ که پیش از کشف نفت مراحل توسعه را طی کرده بودند، ورود درآمدهای نفتی رانتیریسیم را ایجاد نکرد (میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۳۵).

### دولت رانتیر نفتی در اقتصاد سیاسی

مفهوم دولت رانتیر در اقتصاد سیاسی اساساً در چهارچوب تلاش برای رفع نارسایی‌های مربوط به رویکردهای مارکسیستی و وابستگی و در تشریح ملل توسعه نیافتگی کشورهای جهان سوم مطرح شده است و از این منظر هر دولتی که قسمت عمده‌ی درآمدش (۴۲ درصد) از منابع خارجی دریافت می‌نماید دولت رانتیر نامیده می‌شود. با توجه به آمار که بیانگر این مطلب می‌باشد که بطور متوسط در طی حدود ۴ دهه اخیر ۵۵٪ از درآمدهای دولت از فروش نفت بوده است و همینطور آثار منفی رانت خارجی حاصل از فروش منابع و ذخایر و اثرات سود بر دموکراسی و توسعه سیاسی و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود که اصولاً باعث تخریب دولت، تخریب نهادها و تخریب دموکراسی می‌شود.

می‌توان گفت اقتصاد تک محصولی با اتکا بر فروش انرژی (نفت و گاز) پایه‌ی ساختار رانتیریسیم نفتی در ایران شده است در چنین شرایطی امنیت ملی ایران تحت تأثیر تحولات بازار نفت و ژئوپولیتیک انرژی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه در عصر فعلی اقتصاد نقش برجسته‌تر از هر زمان دیگر داشته و با توجه به وابستگی کشور به ژئوپولیتیک انرژی منابع انرژی به عنوان یکی از مهمترین و اصلی‌ترین متغیرهای ژئوپولیتیکی در تعاملات کشورها ایران با قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و سیاست خارجی مؤثر بوده است. بنابراین انرژی کالای استراتژیک است که بر امنیت ملی همه کشورهای مرتبط با آن و از جمله ایران که در اقتصاد رانتیر آن فروش ذخایر بزرگ نفت و گاز از اهمیت فراوانی برخوردار است تأثیر اساسی دارد.

باید دانست در چهارچوب مؤلفه‌های ژئوپولیتیک اصلی‌ترین هدف کشورها به خصوص قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای تبدیل شدن به بازیگر مؤثر در زمینه‌های فعالیت در استحصال و انتقال انرژی است. کنترل بر مراکز تولید انتقال می‌تواند تأمین کننده منافع ملی آنها باشد.

## انواع رانت

رانت‌ها را با توجه به منشأ ایجاد آن به دسته‌های مختلفی از قبیل رانت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اطلاعاتی تقسیم‌بندی می‌کنند.

**رانت اقتصادی:** اولین بار دیوید ریکاردو بود که ضمن تحلیل اقتصادی خود به نوعی بی‌عدالتی در میزان سود برای تولیدکنندگان محصولات کشاورزی پی برد و سود غیرعادلانه‌ای را که نصیب برخی از آنها می‌شد را رانت نامید، اما به طور کلی رانت‌های اقتصادی ناشی از برخی عوامل اقتصادی مانند منابع طبیعی، محدودیت‌های بازرگانی، سیاست‌های حمایتی، کنترل قیمت‌ها، چندگانگی نرخ ارز، تخصیص سهمیه‌های ارزی و نحوه توزیع بودجه و اعتبارات دولتی است.

**رانت سیاسی:** شکل‌گیری رانت سیاسی یکی از پیامدهای فساد سیاسی در هر جامعه و هرگاه دولت و احزاب قدرتمند سیاسی که توزیع و تصمیم‌گیری در خصوص منابع ثروت و قدرت را در اختیار دارند در انجام این کار بین افراد و گروه‌های مختلف جامعه تبعیض قائل شوند و در واقع اراده متنفذان سیاسی به آن باشد که با خارج کردن رقبا از میدان امتیازی را به یک فرد یا گروه خاص بدهند

**رانت اجتماعی:** برخورداری از برخی امتیازات ویژه که خارج از صلاحیت‌های فردی و شایستگی‌های ذاتی برخی افراد نصیب آنها می‌شود، رانت اجتماعی محسوب می‌گردد که حاکی از برخورداری افراد یا گروه‌های فاقد صلاحیت از امتیازات اجتماعی است که استحقاق آن را ندارند و منجر به انباشت ثروت نزد عده‌ای معدود از افراد جامعه می‌شوند. برخورداری از رانت اجتماعی به اشکال مختلف از قبیل: موقعیت شغلی، روابط خویشاوندی، قرار گرفتن در یک تشکل یا گروه خاص، اعمال نفوذ سیاسی در تصویب برخی قوانین که شمول عام دارند برای عده‌ای رانت‌های اجتماعی پدید آید مانند احداث جاده، کارخانه، سد و موارد دیگر که منجر به افزایش قیمت زمین عده‌ای می‌شود.

**رانت اطلاعاتی:** دستیابی زودهنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی در زمینه سیاست‌های بازرگانی، پولی، ارزی، بازار سهام، امور مالی و طرح‌های عمرانی منشأ یکی از مهم‌ترین انواع رانت به نام رانت اطلاعاتی است. عده‌ای از افراد با به دست آوردن زودرس اطلاعات مختلف در زمینه تغییرات قریب الوقوع در قوانین و مقررات، سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های جدید، اصلاحات در محدوده‌ها و نقشه‌های جامع شهری از این اطلاعات در جهت منافع شخصی خود استفاده می‌کنند که به ثروت‌های هنگفتی دست می‌یابند که موجب شکل‌گیری رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه می‌شود (بی‌نا، ۱۳۸۲: ۲۸۳).

## دیدگاه‌های نظریه پردازان

### تئوری دولت رانتیر<sup>۱</sup>

تئوری «دولت رانتیر» برای اولین بار توسط حسین مهدوی ارائه شد و سپس بیلووی و لوسیانی با پرورش این نظریه آن را در مورد نتایج حاصل از رانت‌های خارجی به کار بردند.



ببلاوی معتقد است هر دولتی که مقادیر قابل توجهی از رانتهای خارجی را به شکلی منظم دریافت می‌کند، دولت رانتیر به حساب می‌آید وی بر همین اساس حد نصاب ۴۲ درصدی را برای درآمدهای دولت رانتیر در نظر گرفته است یعنی هر دولتی که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدهای آن از رانت خارجی باشد دولت رانتیر قلمداد می‌شود. تولید و توزیع رانت مانند یک سیاست مالیاتی نادرست اقتصاد را از پویایی بازداشته سبب افزایش هزینه تولید، کاهش پس انداز و سرمایه گذاری و کاهش خلاقیت و نوآوری می‌شود و با هدایت انرژی مردم به سوی فعالیت‌های غیر تولیدی انرژی قابل توجهی را به هدر می‌دهد. هم چنین سیستم رانت خواری موجب پیدایش مناسبات نادرست در نظام اداری کشور می‌شود.

درآمدهای نفتی استقلال غیرعادی اقتصادی و سیاسی دولت را از نیروهای مولد و طبقات اجتماعی فراهم می‌آورند. این عواید برای کل جامعه به صورت یک منبع نامرئی (تقریباً اسرارآمیز) «رفاه» فزاینده درمی‌آید تا آن که به تدریج مکانیسم ناپیدای آن شناخته می‌شود. با توجه به جنبه‌های فنی و جامعه شناختی عواید نفت، این عواید به دولت انعطاف پذیری بسیار زیادی در پرداخت‌ها می‌بخشد. این پول مالیات دهندگان نیست تا دولت در مورد چگونگی خرج کردن آن ملزم به پاسخگویی باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۲۹۰). رانتهای خارجی، به گونه‌ای انحراف در مسیر شکل گیری ساختارهای دولت ایجاد می‌کند و روند توسعه اجتماعی و سیاسی جوامع نفت خیز را مختل می‌سازد (میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۲۱) که این نوع ساختار در تضاد با ساختار موفق و پیشنهاد شده در جهانی شدن اقتصاد می‌باشد. این ساختار سنتی نمی‌تواند در رقابت با نیروهای جهانی شدن موفق باشد. با توجه به رویکرد نئولیبرالیسم اقتصادی، دولت حداقل و مکمل بازار بستر توسعه و پیشرفت را فراهم می‌کند. اما دولت‌های نفتی به دلیل اتکای بیش از پیش به نفت حجم زیادی در اقتصاد را در اختیار دارند. این نوع اقتصاد سیاسی نمی‌تواند به صورت مؤثر و کارا در دنیای رقابتی اقتصاد جهانی عمل کند. این موضوع بر جایگاه ژئواکونومیک منطقه تأثیر گذار است.

### ویژگی دولت رانتیر

هر کشوری که ۴۲ درصد یا بیشتر از کل درآمدهای آن از رانت خارجی باشد؛ این رانتهای باید از خارج از کشور تأمین شود؛ در صورتی که در کشور تولید رانت است؛ بنابراین اکثریت جامعه دریافت کننده یا توزیع کننده رانت هستند؛

دولت رانتیر دریافت کننده اصلی رانت خارجی بوده و نقش اساسی در هزینه نمودن آن ایفا می‌کند (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۷۹).

### رانتیرسم و تأثیرات آن

رانتیرسم به عنوان جزء داخلی رفتار دولت رانتیر متصور می‌شود. در هر حال این رانت خارجی پیامدهای مختلفی بر ساختارهای داخلی جامعه دارد که می‌توان این پیامدها را در سه عرصه دولت، روابط دولت و جامعه و عرصه اقتصاد به تفکیک مورد بررسی قرار داد.

## ۱- پیامد رانتیریسیم بر ساخت دولت

رانتیریسیم نیز سه تأثیر عمده را بر ساخت دولت دارد:

### الف: افزایش استقلال دولت از جامعه

دولت رانتیر در مسیر کسب رانت، استقلال فنی و اقتصادی از جامعه دارد و همین موضوع سبب جدا شدن بدنه دولت از جامعه می‌شود و استقلال اجتماعی دولت رانتیر را در پی دارد زیرا منبع قدرت (نفت یا هر ماده خام دیگر) در اعماق زمین قرار دارد و دولت به صورت انحصاری عهده‌دار بهره‌برداری از این منبع طبیعی است (میرترابی، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

### - ایجاد مانع در مسیر توسعه سیاسی

زمانی که دولت کنترل بخش اعظم ثروت موجود در جامعه (درآمدهای نفتی) را در اختیار می‌گیرد، زمینه کنترل منابع قدرت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز به دست می‌آورد. این فرایند تمرکز منابع قدرت در دست دولت، از توزیع آن در سطح جامعه و قدرت‌یابی گروه‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. در چنین فضایی امکان توسعه سیاسی و باز شدن فضای رقابت میان گروه‌های اجتماعی بر سر قدرت و در نهایت توسعه سیاسی و استقرار دموکراسی از جامعه سلب می‌شود (بشریه، ۱۳۸۲: ۸۷).

### ب: تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت

در ادبیات سیاسی به ویژه در چارچوب نظریات مبتنی بر کارکردگرایی، نظام سیاسی به عنوان یکی از خرده نظام‌های اجتماعی کار ویژه‌های خاصی را بر عهده دارد که از جمله آنها کار ویژه استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آنها است. بر اساس این تحلیل، یکی از معیارهای عمده سنجش میزان کارایی یک نظام سیاسی، بررسی توان استخراج و توزیع مجدد منابع در داخل جامعه است (توحیدفام، ۱۳۸۲: ۷۹). دولت‌های رانتیر نه تنها توان پاسخگویی به جامعه را ندارند بلکه در خصوص استخراج و باز توزیع صحیح منابع در داخل جامعه نیز ناکارآمدند.

### ج: تبدیل شدن دولت به توزیع کننده رانت

یکی دیگر از پیامدهای رانت بر دولت، تبدیل دولت به توزیع کننده رانت در جامعه است. دولت در چنین شرایطی اساسی‌ترین نقش را در توزیع ثروت در میان مردم ایفا می‌کند. این دولت همان دولت تخصیصی است و در مقابل دولت‌های تولیدی قرار می‌دهند (Giacomo, 1987:42).

## ۲- پیامد رانتیریسیم بر روابط دولت و جامعه

تأثیر رانتیریسیم بر روابط دولت و جامعه را می‌توان به دو صورت عمده مشاهده کرد:

### الف) دگرگونی در قشربندی اجتماعی

دولت‌های رانتیر اساساً رانت را به شیوه نابرابری در سطح جامعه توزیع می‌کنند. در یک جامعه با ساختار رانتیر تمام افراد کم و بیش از مزایای ناشی از رانت بهره‌مند می‌شوند، اما میزان بهره‌مندی افراد از این رانت به شدت متفاوت است. دولت رانتیر اساساً از رانت به عنوان ابزاری برای کسب رضایت افراد جامعه و بالا بردن مشروعیت خود استفاده می‌کند. یک دولت توزیع کننده رانت بر خلاف دولت متکی به مالیات که باید انرژی فراوانی را برای

استخراج درآمدهای مورد نیازش صرف کند صرفاً باید تصمیم بگیرد که کدام یک از گروه‌های اجتماعی در دریافت رانت‌های نفتی برتری دارند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۹۸). لذا در همین ارتباط است که بیلاوی و لوسبانی خاطر نشان می‌کنند که درآمدهای نفتی دولت را قادر می‌سازد که اتفاق نظر سیاسی را به سود خود خریداری کند (Giacomo, 1987: 35).

### ب) تضعیف ماهیت نمایندگی دولت

یکی از نتایج منطقی نظریه دولت رانتیر این است که از آنجا که رهبران دولت نیازی به استخراج منابع ندارند ضرورتی احساس نمی‌کنند که به نمایندگی کردن از مردم بپردازند (Najmabadi, 1987: 211). وابستگی فزاینده دولت رانتیر به درآمد رانت به این معنا است که از فشار مالی دولت بر جامعه کاسته شود، دولت‌های رانتیر اساساً به درآمد مالیاتی به عنوان منبع اصلی تأمین هزینه‌های خود توجهی ندارند. نظریه‌پردازان دولت رانتیر معتقدند در چنین شرایطی دولت در مقابل دریافت نکردن مالیات از جامعه به توافقی ضمنی با مردم دست می‌یابد که در چارچوب آن مردم دیگر انتظار ندارند تا دولتی منتخب داشته باشند. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

### ۳- پیامد رانتیرسم بر اقتصاد

به طور معمول، رانتیرسم پیامدهای گسترده‌ای بر اقتصاد جامعه دارد. با این حال دو نکته عمده از این پیامدهای اشاره می‌شود که عبارتند از:

#### الف) تشدید روحیه رانت‌جویی و مصرف‌گرایی

فعالیت‌های رانت‌جویانه اساساً فعالیت‌هایی غیر مولد و غیر اقتصادی‌اند و روی آوردن بازیگران اجتماعی به این فعالیت‌ها به زیان فعالیت‌های مولد منجر خواهد شد و بخشی از سرمایه‌های جامعه را نیز در مسیر اشتباه به هدر خواهد داد (خضری، ۱۳۸۱: ۱۳).

تجربه دولت‌های رانتیر حاکی از این است که این گونه دولت‌ها عموماً برای پاسخگویی به نیازهای فزاینده جامعه، ساده‌ترین و راحت‌ترین کار را در پیش می‌گیرند یعنی به واردات گسترده مواد و کالاهای مورد نیاز جامعه متوسل می‌شوند. حضور گسترده کالاهای وارداتی در بازار داخلی هم به تولیدکنندگان داخلی به ندرت ضربه می‌زند و هم روحیه مصرف‌گرایی را در جامعه دامن می‌زند. بنابراین، دولت رانتیر برای ارضای تقاضاهای فزاینده جامعه تازه ثروتمند شده نوکیسه اقدام به واردات زیاد به ویژه کالاهای لوکس و مواد غذایی می‌نماید.

#### ب) اختلال در برنامه‌های توسعه اقتصادی

دولت رانتیر به صورت انحصاری رانت را دریافت و آن را هزینه می‌کند. همین امر سبب می‌شود تا دولت بدون مشورت با گروه‌های اجتماعی و بدون در نظر گرفتن مسائلی همچون کارایی و بازدهی اقتصادی، برنامه‌های خود را به اجرا درآورد. در چنین فضایی دولت‌های رانتیر، بر اساس تجربه تاریخی به سیاست‌های مبتنی بر جایگزینی واردات روی می‌آورند. در نتیجه گسترش صنایع با هدف افزایش تولیدات داخلی و کاهش واردات مورد توجه قرار می‌گیرند، اما مشکل این است که معمولاً صنایعی که در چنین شرایطی پدید می‌آیند از کارایی و انعطاف‌پذیری لازم

برخوردار نیستند و به دلیل پایین بودن کیفیت محصولات این صنایع تولیدات آنها تنها در بازار داخلی قابل فروش است (کردزاده کرمانی، ۱۳۸۰: ۵۳).

#### درآمدهای نفتی ایران در دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۳۲

سال ۱۳۵۷ را سال تبدیل ایران به یک دولت رانتیر لقب دادند و از این زمان به بعد نفت علاوه بر اینکه همواره سهمی بیش از ۴۰ درصد را در درآمدهای دولت ایران داشته به عنوان یک متغیر مستقل نظام اقتصادی و سیاسی ایران را تحت تأثیر قرار داده است (شکاری، ۱۳۸۷: ۵۷).

مهدوی با ارزیابی درآمد نفت ایران در این دوره نظریه دولت رانتیر را ارائه داده و ایران را مصداق بارز آن معرفی کرده و چنین آورده است که سهم درآمدهای نفتی در مجموعه درآمدهای دولت از ۱۱ درصد در سال ۱۹۵۴ میلادی به ۵۰ درصد در سال ۱۹۶۵ میلادی افزایش یافته است (Mahdavy, 1970: 45-453).

طی سال‌های دهه ۱۳۵۰ تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی هیچ‌گاه وابستگی دولت به درآمدهای نفتی زیر ۵۴ درصد نبود. البته در سال ۱۳۵۷ به دلیل اعتصاب کارکنان صنعت نفت تولید نفت ایران کاهش یافت و درآمد نفتی کشور به ۱۵ میلیارد دلار کاهش یافت. نگاه کلی به میزان درآمدهای نفتی دولت در دوره (۱۳۵۷-۱۳۳۲) نشان می‌دهد که تقریباً از سال ۱۳۳۲، این درآمد بیش از ۴۰ درصد منابع درآمدی دولت را تأمین کرده است. اگر تعریف ببلاوی در خصوص میزان لازم درآمد رانتی برای ساخت دولت رانتیر را بپذیریم (۴۲ درصد درآمد دولت) باید گفت که از سال ۱۳۳۹ ساخت دولت در ایران رانتیر بوده است.

#### الگوی دولت رانتیر در جمهوری اسلامی ایران

بر اساس تعاریف ارائه شده از دولت تحصیلدار، نظام جمهوری اسلامی را نیز می‌توان به گونه‌ای ادامه همان وضعیت قبلی در زمینه مسائل اقتصادی دانست یعنی تمام ویژگی‌های دولت تحصیلدار را داراست. در حالی که جمهوری اسلامی حیات خود را در گروی همکاری رانت‌خوارانه با بورژوازی تجاری می‌داند هرچند که به نظر می‌رسد کارایی دولت در جمع‌آوری مالیات‌ها بیشتر شده است و در طول سال‌های گذشته تلاش‌هایی چه از لحاظ نظری و چه در عمل در جهت کاهش درآمدهای دولت به منابع زیرزمینی از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی صورت گرفته، اما واقعیتی است انکارناپذیر که ایران تنها با فروش سخاوتمندانه منابع خدادادی می‌تواند به حیات خود ادامه دهد (ازغندی، ۱۳۸۴: ۴۴).

تدا اسکاچپول با استفاده از نظریه دولت تحصیلدار، درآمدهای کلان نفتی پهلوی را که چهره غیر دموکراتیک به دولت بخشیده بودند، زمینه‌ساز انقلاب ۱۳۵۷ می‌داند و برای جمهوری اسلامی به دلیل اتکا به منابع خدادادی همین ماهیت را قائل است. حاجی یوسفی نیز با توجه به سهم درآمدهای نفتی در کل درآمد عمومی، دولت ایران را تحصیلدار دانسته است (ازغندی، ۱۳۸۴: ۴۵).

حاجی یوسفی با تأسی از الگوی لوسیانی بین فرایند آزادسازی اقتصادی برای سال‌های (۱۳۷۶-۱۳۶۸) و آزادسازی نسبی سیاسی پس از ۱۳۷۶ با تمرکز بر ماهیت دولت تحصیلدار رابطه‌ای برقرار ساخته و تحقق شرایط آزادسازی نسبی سیاسی را همانند آزادسازی اقتصادی سال‌های ریاست جمهوری آقای هاشمی ناشی از افول ماهیت دولت

تحصیلدار دانسته است. وی اضافه می‌کند که بحران ناشی از ۸ سال جنگ و عدم کارآمدی دولت تحصیلدار در فائق آمدن بر بحران مالی و اقتصادی، نقش تحصیلداری دولت را کاهش داد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۲: ۸۲). هرچند که این تلاش‌ها و سیاست‌ها وابستگی دستگاه حکومتی به منابع نفتی را کاهش نداد، زیرا در ۸ سال ریاست جمهوری آقای خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴) به رغم افزایش درآمدهای دولت از درآمدهای مالیاتی و صادراتی باز هم منبع اصلی درآمد دولت را منابع خدادادی تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، شاهد افزایش روزافزون واردات کالاهای مصرفی چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی و همچنین افزایش دائمی مصرف انرژی در داخل کشور هستیم. ضمن اینکه حفظ وضع موجود در زمینه صادرات نفت در گروه‌های سرمایه‌گذاری  $\frac{1}{3}$  درآمد ارزی نفت در خود صنایع نفتی بوده است (شامبیانی، ۱۳۷۶: ۲۵۲).

زمامداران کشور به تدریج به سوی اتخاذ سیاست‌هایی با هدف ایجاد ثبات در بخش نفت و توسعه توان تولید و صادرات این بخش گرایش پیدا کردند و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در دستور کار دولت و برنامه‌های توسعه قرار گرفت. با این حال به واسطه مجموعه شرایطی که عمدتاً پس از انقلاب پدید آمد، محدودیت‌ها و موانعی در راه جذب سرمایه‌های خارجی در بخش نفت و گاز ظاهر شد که بر روند سرمایه‌گذاری‌های بعدی در این بخش تأثیر فراوانی داشت. به رغم افزایش درآمدهای دولت‌های نهم و دهم که رشد چشمگیری از درآمدهای نفتی داشتیم باز هم منبع اصلی درآمد دولت را منابع خدادادی تشکیل می‌دهد. علاوه بر این، شاهد افزایش روزافزون واردات کالاهای مصرفی چه به صورت رسمی و چه به صورت غیر رسمی و همچنین افزایش دائمی مصرف انرژی در داخل کشور بودیم که متأسفانه در دولت یازدهم نیز همین روند تکرار گردید.

### قراردادهای بیع متقابل

در شرایطی که مسئولان کشور پس از پایان جنگ، ضرورت جذب سرمایه‌های خارجی در بخش نفت و گاز را احساس کردند، محدودیت‌هایی در مسیر جذب سرمایه‌های خارجی و در نهایت نوع خاصی از قراردادهای در چارچوب بیع متقابل مورد توجه قرار گرفت. بر اساس این نوع قراردادها ضمن بهره‌گیری از خدمات شرکت‌های عمده نفتی، حاکمیت و مالکیت منابع و تأسیسات نفتی متعلق به ایران باقی می‌ماند. اجرای قراردادهای بیع متقابل عملاً از برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸) مورد توجه قرار گرفت و به دولت اجازه داده شد تا با امضای قراردادهای بیع متقابل از منابع خارجی برای توسعه صنعت نفت و گاز استفاده نماید. این قراردادها در برنامه سوم توسعه نیز مدنظر قرار گرفت، ا (حسن بیگی، ۲۴: ۱۳۸۱).

روش بیع متقابل آخرین و تنها انتخاب فراروی دولت برای تأمین عایدات ارزی به شمار می‌آید. ضعف دانش فنی و کشورهای صادرکننده نفت و وابستگی مطلق در این زمینه به قدرت‌های صنعتی و استراتژیک دنیا موجب شده چانه‌زنی در استخراج و تولید نفت برای صادرکنندگان نفت به ویژه ایران بسیار مشکل باشد. اعمال تحریم‌های آمریکا نیز مشکل را مضاعف کرده و این مانع در کنار ریسک بالای منطقه خاورمیانه باعث مقبولیت سیستم بیع متقابل گردیده است. باید توجه داشت که پیمانکاران خارجی از چنین معضلاتی آگاه هستند و به همین دلیل معمولاً شرایط دشواری برای ایران پیشنهاد می‌نمایند.

در مجموع و خارج از تمام بحث‌های صورت گرفته اگر به منابع درآمدی دولت ایران نگاه کنیم درمی‌یابیم که از حدود سال ۱۹۶۰ تا اکنون بالای ۴۲ درصد درآمد دولت ایران از راه فروش نفت بدست آمده است (پيله فروش، ۱۳۸۲: ۱۷۳).

## راه‌های برون رفت از اقتصاد رانتي در ایران

### ۱- تفکیک مقوله نفت به عنوان سرمایه از نفت

به هر حال نفت به عنوان یک موهبت الهی و یک سرمایه ارزشمند از دیدگاه کارشناسان روزی تمام می‌شود. بنابراین باید راهی غیر از عایدات نفتی را برای تأمین بودجه جستجو کرد که یکی از این روش‌ها، تفکیک مقوله نفت به عنوان سرمایه از مقوله نفت می‌باشد (نصری، ۱۳۸۰: ۲۰۱).

در چهار دهه اخیر کشور ما از محل فروش دارایی‌هایی مانند نفت و گاز چندین برابر قبل از انقلاب درآمد کسب کرده که در حد خود سرمایه بسیار عظیمی محسوب می‌شود. اما ورود این میزان سرمایه به کشور توسعه واقعی به همراه نیاورده است زیرا پتrodلارها به جای سرمایه‌گذاری صرف هزینه‌های جاری شده در صورتیکه اگر برنامه‌ریزی مناسبی برای سرمایه‌گذاری گسترده این پول‌ها در بخش‌های مولد صورت می‌گرفت، امروز وضع به گونه‌ای دیگر بود (میر ترابی، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

اقدامات مثبت محدودی طی سال‌های اخیر برای تفکیک درآمد از ثروت صورت گرفته است. از جمله این اقدامات می‌توان به ایجاد صندوق ذخیره ارزی اشاره کرد که یکی از اهداف آن بهره‌گیری از محل فروش دارایی‌ها برای کمک به سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در کشور است (بی‌نام، ۱۳۸۵).

### ۲- کوچک کردن دولت

نفت به واسطه شعاع فراگیر خود کل اقتصاد جامعه را شامل می‌شود. به این دلیل تجویز برای رهایی از وابستگی به آن مانند تجویز برای بهبود اقتصادی و توسعه همه جانبه است، از این رو رهایی از این مشکل این است که دولت کوچک شود و از دخالت در اموری که مربوط به دولت نیست پرهیز کند. وظیفه اصلی و اولیه هر دولتی تأمین امنیت و ارائه کالاها و خدمات عمومی است. با کاهش دخالت دولت و واگذاری امور به مردم، رونق اقتصادی آشکار شده و پرداخت مالیات تسهیل می‌شود (نصری، ۱۳۸۰: ۲۰۱). پدیده رانت‌جویی اصولاً با مداخلات دولت در اقتصاد مقارن است. دخالت بیش از حد دولت در فعالیت‌های اقتصادی در بازار رقابت ایجاد اختلال نموده و زمینه را برای گسترش فعالیت‌های فرصت‌طلبانه فراهم می‌سازد. البته در مسائلی که به نوعی با مصلحت عمومی مرتبط است مداخله در اقتصاد ضروری است که در این قبیل موارد دولت با انجام سه نوع اقدامات تولیدی، تنظیمی و رفاهی قدم پیش می‌گذارد (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۳۱).

اما با توجه به ضرورت حذف رانت‌خواری در اقتصاد ایران، بر اساس ماده ۳۵ قانون برنامه سوم توسعه مقرر شد که دولت تصدی‌گری خود را کاهش دهد و به تدریج انحصارات دولتی را حذف نماید.

در نتیجه تا زمانی که دولت ساختاری حجیم و پرهزینه دارد، همچنان از درآمدهای نفتی برای تأمین مخارج خود استفاده خواهد کرد بنابراین با کوچک شدن دولت، بخش بزرگی از درآمدهای نفتی برای سرمایه‌گذاری‌های مولد



آزاد خواهد شد. یکی از راهکارهای عمده کوچک کردن دولت، خصوصی سازی است اما روند خصوصی سازی بسیار کند و ناکارآمد بوده است. به همین دلیل است که دولت به جای کوچک شدن در عمل بزرگتر شده است (مجله اقتصاد ایران، ۱۳۸۲: ۳۱).

### ۳- گسترش صادرات غیر نفتی

ایران صنایعی دارد که متکی بر رانت و رابطه هستند. بدون رانت و رابطه بسیاری از صنایع ایران ورشکست می-شوند (ادیب، ۱۳۸۰: ۳۱). استراتژی توسعه صادرات در واقع به منزله حذف رانت و رابطه از اقتصاد ایران است زیرا در توسعه صادرات است که هر کالا باید در بازارهای جهانی بتواند رقابت کند و با قیمت مناسب نیز عرضه شود. تمام این مسائل در شرایطی رقم خورده است که کشور ما نیاز بسیار شدیدی به رهایی از اقتصاد تک محصولی و اقتصاد رانتی دارد. آنچه به عنوان یک ایده لازم است که بر حسب شرایط موجود باید نوعی جهش بزرگ را در صادرات غیر نفتی مورد توجه قرار دهیم. موضوعی که دقیقاً همسایه ایران یعنی ترکیه ظرف یک دوره ۴ ساله موفق شده است صادرات خود را از ۲۲۶۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۹ به ۵۷۴۶ میلیون دلار در سال ۱۹۸۲ افزایش دهد.

### ۴- جریان آزاد اطلاعات

در کشور ما هنوز دسترسی به اطلاعات یک معضل جدی است. بسیاری از وزارتخانه‌های دولتی در ایران از ارائه بسیاری از اطلاعات روزانه و عادی و سیر طبیعی امور تحت عنوان محرمانه بودن امتناع می‌کنند. دسترسی آزاد به اطلاعات شرط تحقق یک اقتصاد بازار و تولیدی است و با امکان دسترسی همگان به اطلاعات است که قانون عرضه و تقاضا مفهوم پیدا می‌کند.

با نگاهی ویژه به رابطه جریان آزاد اطلاعات و صنعت و بخش خصوصی درمی‌یابیم که انحصار برخی از اطلاعات اقتصادی به نهاد دولت و دریغ آن از بخش خصوصی در مواردی باعث ورشکستگی بخش خصوصی می‌گردد. لذا جریان آزاد اطلاعات اقتصادی یکی از شروط اساسی اتکاء به صنعتی شدن و اقتصاد بازار است. دستیابی زودهنگام و انحصاری به اطلاعات اقتصادی در زمینه‌های بازرگانی، پولی، ارزی، بازار سهام، طرح‌های عمرانی خود منشأ یک نوع رانت بنام رانت اطلاعاتی است به این ترتیب که بسیاری از افراد صاحب نفوذ و نزدیک به مراجع تصمیم‌گیری با به دست آوردن یکسری اطلاعات زودرس از این موضوع برای منافع شخصی استفاده می‌کنند و بیشتر به ثروت-های هنگفت دست می‌یابند. نتیجه این وضعیت، شکل‌گیری یک رقابت ناسالم اقتصادی در بازار سرمایه است (ادیب، ۱۳۸۰: ۱۸).

افزایش بی‌رویه مصرف که نمود عینی آن در مصرف بیش از اندازه انرژی در ایران مشاهده می‌شود و بر اساس آمار، مصرف نهایی انرژی در کشور طی ۳۰ سال گذشته ۱۰/۵ برابر شده و رشد سالانه آن معادل ۸/۴ درصد بوده است. در حالی که در همین دوره رشد تولید ناخالص داخلی کشور با احتساب نفت تنها در حد ۳/۴ درصد بوده است. این موضوع به معنای پیش گرفتن رشد مصرف انرژی در کشور بر رشد اقتصادی است که معنای دیگر آن افزایش شدت انرژی در ایران و کاهش بهره‌دهی در مصرف آن است.

به این مصرف بی‌رویه انرژی در کشور مسئله بنزین، برق، گاز، آب و ... را اضافه کنیم تا وخامت کار بیشتر مشخص شود. آمار و ارقام مصرف بنزین در کشور نشان می‌دهد که چگونه در ساختار رانتیریس، ارائه یارانه‌های غیر منطقی به فرآورده‌های مصرفی همچون سوخت سبب تغییرات فاحش در الگوی مصرف این مواد و مصرف فزاینده آنها شده است. (مجله نفت، گاز، پتروشیمی: ۲۸).

#### ۵- حذف یارانه‌ها

یارانه که آن را مالیات منفی نیز می‌گویند، عبارت است از کمک مالی دولت برای پرداخت تفاوت هزینه‌های تولید و قیمتی که مصرف‌کننده می‌پردازد در حالی که هزینه تولید از هزینه فروش کالا به مصرف‌کننده بالاتر باشد. امروزه هدف از پرداخت یارانه‌ها در اصل برقراری عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و توزیع عادلانه درآمدها می‌باشد (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۷۹).

پرداخت یارانه‌ها با پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل فشارهای گسترده بر دولت و جنگ تحمیلی آغاز شد به نوعی که بسیاری از کالاهای اساسی به منظور دستیابی اقشار مختلف جامعه به آنها مشمول نظام یارانه‌ها گردید تا در نهایت در برنامه سوم توسعه، هدفمند ساختن یارانه‌ها به نفع گروه‌های کم درآمد و کاهش سهم یارانه و قطع تدریجی آن برای خانوارهای پردرآمد را مورد توجه قرار داد (موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۸۰).

پس لازم است تا نظام پرداخت یارانه‌ها حداقل در هر سال به نسبت سال قبل کاهش یابد و در یک پروسه ۴ تا ۵ ساله تمام یارانه‌ها حذف و حاکمیت اقتصاد بازار و نظام عرضه و تقاضا بوجود آید.

#### ۶- جلوگیری از آزادسازی یک باره و سریع اقتصاد

اصلاح نگرش فکری در حوزه سیاست توزیع اقتصادی لازم است تا یک نوزایی فکری در حوزه‌های مختلف اقتصادی و ایجاد تناسب بین افکار جدید با شرایط رشد اقتصادی بوجود آید و از سویی نیز نوعی توازن بین بخش-های مختلف اقتصادی حاکم شود. این مسئله صرفاً با افزایش نقش نظارتی دولت و رقابتی کردن اقتصاد صورت می‌گیرد. از سویی باید از آزادسازی یک باره و سریع اقتصاد جلوگیری شود، زیرا روس‌ها یک باره اقتصاد را آزاد کردند و با فروپاشی مواجه شدند (قاضی مهابادی، ۱۳۷۹).

بنابراین نیاز است تا دولت و مجلس و هم کارشناسان دست به دست هم دهند و برنامه تدریجی زمانبندی شده‌ای را تدوین نمایند تا با حرکتی آرام اما منطقی و کارشناسی شده گام در راه توسعه برداریم.

#### ۷- جلوگیری از تمایل به سمت اقتصاد چرخشی رانتی

اقتصاد باید در یک چرخه طبیعی به صورت تدریجی مسیر خودش را طی کند، زیرا دولت‌های رانتیر به حرکت‌های طبیعی اعتقادی ندارند و در پی آن هستند تا به سرعت تحولات را شکل دهند و از همین نقطه است که دخالت دولت آغاز می‌شود. بنابراین باید اجازه داد تا اقتصاد به سمت حرکت طبیعی تولیدی خود پیش برود و از هر گونه تمایل به اقتصاد چرخشی رانتی که در آن هر بار عده‌ای از رانت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... بهره‌مند می‌شوند جلوگیری شود. در کنار این مسئله باید از شتاب و سرعت در تصمیم‌گیری‌های دولتی جلوگیری شود زیرا تصمیم

سریع دولت رانتهی اغلب نسنجیده می‌باشد زیرا تصمیم‌ها در کوتاه‌ترین زمان اتخاذ می‌شود که با روند طبیعی اقتصاد همخوانی ندارد و گاهی باعث کشمکش و تضاد در جامعه می‌شود (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۶۵).

#### ۸- جذب سرمایه‌گذاری خارجی و نقش آن در توسعه اقتصادی کشور

یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصاد کلان، رشد و توسعه‌ی اقتصادی است. بر همین اساس، دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی هدفی است که همه‌ی دولت‌ها و برنامه‌ریزان اقتصادی در جهان بر آن تأکید دارند. از طرفی دیگر در تمامی نظریات و الگوهای رشد، سرمایه‌به‌عنوان موتور محرکه و عامل نیرومند رشد و توسعه‌ی اقتصادی در نظر گرفته شده است. به بیان ساده‌تر پیش شرط تحقق اهداف کلان اقتصادی، یعنی رشد اقتصادی، فراهم آوردن سرمایه کافی به منظور تأمین مالی مورد نیاز طرح‌های زیربنایی است.

یکی از اساسی‌ترین عواملی که سبب رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه می‌شود، سرمایه‌گذاری خارجی است. کشورهایی که سرمایه‌گذاری خارجی را جذب می‌کنند، به پس‌اندازی فراتر از پس‌انداز داخلی دست می‌یابند. افزون بر این، سرمایه‌گذاری خارجی ابزار مهمی برای جابه‌جایی فناوری و نوآوری نوین از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه است. شواهد معتبری وجود دارد که شیوه‌ی تأثیر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی گوناگون است و از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. همچنین بسته به شرایط چیره بر اقتصاد کشورها شدت و سازوکار اثر سرمایه‌گذاری خارجی بر رشد اقتصادی دیگر می‌شود.

در ایران برای سرمایه‌گذاری خارجی موانع قانونی وجود دارد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی با برخی از اصول قانون اساسی مغایرت است. براساس اصل یکصد و پنجاه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران براساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه‌ی مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحارب استوار است. بر این اساس، هرگونه پیوند سیاسی و اقتصادی، باید براساس منافع ملی و همچنین تمامیت ارضی کشور برقرار شود. تجربه‌ی تلخ بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و استعمار آنها توسط قدرت‌های بزرگ، این گمانه را دامن زده است که باید در گسترش روابط خارجی بسیار محتاط و سنجیده رفتار کنند. اثر سرمایه‌گذاری خارجی را در رشد و توسعه بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای جنوب شرقی آسیا نمی‌توان نادیده گرفت. بنابراین در صورت نبود سرمایه‌گذاری مناسب داخلی، بهره‌گیری درست از سرمایه‌گذار خارجی با رعایت تمام جوانب می‌تواند بسیار مفید باشد. هدف بهترین استراتژی درباره‌ی بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری خارجی است (یاوری و سعادت، ۱۳۸۴: ۲۵-۲۴).

#### نتیجه‌گیری و دستاوردهای پژوهشی

در این تحقیق تلاش شد تا نشان دهد که یک دولت رانتهی متأثر از اقتصاد تک محصولی و متکی بر انحصار فروش نفت، مشکلاتی را در پی دارد که از آن جمله می‌توان به مسائلی از قبیل افزایش استقلال نه چندان مناسب دولت از جامعه، تضعیف توان استخراجی و باز توزیعی دولت، تبدیل شدن دولت به توزیع‌کننده رانت، دگرگونی در قشر بندی

اجتماعی، تضعیف ماهیت نمایندگی دولت، اختلال در برنامه‌های توسعه اقتصادی و تشدید روحیه مصرف‌گرایی و رانت‌جویی اشاره کرد.

در مجموع، بر اساس تعاریف ارائه شده از یک دولت رانتیر می‌توان عنوان داشت که اقتصاد ایران چه قبل از انقلاب و چه پس از انقلاب در واقع تمام خصوصیات یک اقتصاد رانتی را دارا می‌باشد. به همین منظور در این مقاله آنچه به عنوان نتیجه کلام باید بیان شود راهکارهایی است که برای خروج از اقتصاد رانتی پیشنهاد می‌شود که از آن جمله عبارتند از توجه به موضوع نفت به عنوان سرمایه، کوچک کردن دولت، نهادینه‌سازی مالیات، گسترش صادرات غیرنفتی، جلوگیری از ذخیره کردن نقدینگی، جریان داشتن یک جریان آزاد اطلاعات، اصلاح الگوی مصرف، حذف یارانه‌ها، جلوگیری از اقتصاد چرخشی رانتی و در نهایت جلوگیری از آزادسازی یک باره و سریع اقتصاد؛ جذب سرمایه‌گذاری خارجی تمام اینها مواردی هستند که اگر مورد توجه دولتمردان قرار گیرد می‌تواند ایران اسلامی را به سمت توسعه پایدار سوق دهد. که در این راستا پیشنهادات ذیل در جهت حفظ و ارتقاء امنیت اقتصادی و ملی که وابستگی زیادی به انرژی دارد مطرح می‌باشد.

-پیشنهاد می‌گردد در جهت کم کردن وابستگی کشور به درآمدهای بی ثبات و ناپایدار انرژی دو بخش هزینه‌های حاکمیت و هزینه‌های توسعه‌ای جدا گردد و بخش دوم صرفاً در مواد زاینده و مولد سرمایه گذاری شود، مسئولان کشور ما پس از یک قرن باید به این درک رسیده باشند که انرژی یک سرمایه است نه درآمد.

-دولت در جهت ایجاد امنیت ملی پایدار و ثبات سیاسی اقتصادی باید سعی در کم کردن وابستگی خود به درآمدهای نفت و گازی تکیه و درآمدهای مالیاتی را به جای درآمدهای انرژی تجویز نماید. حرکتی که شروع شده اما همچنان با چالشهای مواجه است.

-طراحان و مجریان سیاست خارجی باید از رویکرد تقابلی با جهان غرب و منطقه دست برداشته. چرا که وجود این سیاست باعث از دست رفتن فرصتهای زیادی هم در بعد ژئواکونومیک و هم ژئواستراتژیک انرژی گردیده که نتیجه آن از دست رفتن سرمایه گذاری در بخش انرژی و تضعیف که اقتصاد داخلی و نارضایتی در سطح جامعه و زمینه تهدید امنیت ملی می‌گردد.

-طراحان و مجریان سیاست خارجی باید در مجموع تشکیل دهنده عناصری قدرت ملی و امنیت ملی نقش مثبت عامل انرژی را افزایش دهند و از تأثیرگذاری عامل سیاسی و عوامل تشنج‌زا که باعث انزوای ایران در سطح منطقه و جهان می‌شود خودداری کنند.

-باتوجه به نقش مهم و اساسی انرژی در امنیت اقتصادی ایران سیاستمداران کشور باید خود در برقراری پیوندهای انرژی با کشورهای مهم و تأثیرگذار در نظام بین الملل کوشا باشند.

-طراحان و مجریان حکومت از رویکرد تقابلی با جهان غرب و منطقه که خود بخود باعث افزایش مسابقات تسلیحاتی و افزایش هزینه‌های نظامی و کاستن از رفاهیات داخلی و فشار مضاعف به مردم کشور می‌شود دست برداشته چرا که ادامه این روند باعث نارضایتی عمومی و قطعاً باعث شورش‌های داخلی شده که پیامدهای امنیتی مخربی را به همراه دارد.

-از نظر شاخص امنیت و توسعه پایدار عبور خطوط لوله نفت و گاز از ایران به کشورهای مصرف کننده براساس الگوی روابط خارجی توسعه گرا می‌تواند هم امنیت و صلح را بین کشورهای منطقه تقویت کند و هم رابطه ایران با کشورهای منطقه و اثرگذاری و نقش ایران بر تحولات اقتصادی منطقه را ارتقاء دهد.

-باتوجه به ایفای نقش اصلی نفت در اقتصاد ایران باید همگام با جریان اصلی توسعه گرای جهانی امنیت خود را در قالب امنیت بین الملل جستجو کند و از انرژی و نفت و گاز و امنیت انرژی به عنوان ابزاری جهت اعتماد سازی و محور تعامل سازنده و موتور توسعه ملی استفاده نماید و از تمام ظرفیتهای انرژی در جهت افزایش و ارتقاء جایگاه ایران در تأمین امنیت انرژی جهانی و توسعه باید از کشور استفاده کند.

-باتوجه به اینکه در عصر ژئواکونومی امنیت انرژی (ابعاد اقتصادی و سیاسی) نه از بابت کمبود منابع انرژی بلکه ناشی از عدم رویکرد به وابستگی متقابل در تأمین و مدیریت عرضه است که این امنیت جز در همکاری متقابل امکان پذیر نیست لذا پیشنهاد می‌گردد.

-باتوجه به جایگاه گاز و LNG در آینده و ذخایر و ظرفیت بالقوه بالای ایران بعنوان دومین دارنده انرژی گاز دنیا پیشنهاد می‌شود ایران همانند روسیه در بخش انرژی گاز سرمایه گذاری لازم را ایجاد نماید تا بتواند مانند عربستان (جایگاه اول نفت جهان) جایگاه بالایی در بخش گاز داشته باشد و با ژئوپلیتیک گازی بتواند به تعامل اقتصادی با جهان صنعتی و ایجاد امنیت و توسعه در کشور بپردازد. بخصوص شرق آسیا و چین که باتوجه به رشد اقتصادی بالای خود نیاز به انرژی آنها روز به روز افزایش خواهد یافت.

-سیاست مداران و دیپلماسی دستگاه خارجی داشتن کد ژئوپلیتیک و استراتژی ژئوپلیتیک در بخش انرژی را در دستور کار خود داشته باشند تا بتوانند پیش بینی حوادث آینده را بنمایند.

-ایران با نگاه صحیح به بازارهای بین الملل رویکرد جدید در سیاست خارجی و تغییر بعضی رفتارهای تنش زا در عرصه بین المللی و همچنین برنامه ریزی راهبردی جایگاه خود را در منطقه تحکیم بخشد تا بتواند ضمن تأمین منابع مالی بین المللی با همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای فرا منطقه‌ای جهانی و تعادل منافع ملی و امنیت انرژی را به حداکثر برساند.

- جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تنها یک منبع تأمین سرمایه و اشتغال نیست، بلکه برای حکومت‌های کشورهای در حال توسعه ابزاری برای دستیابی به مهارت، فن‌آوری، عملکردهای سازمانی و مدیریتی و دسترسی به بازار هم محسوب شده و دارای دو مزیت اساسی می‌باشد:

(۱) ریسک را سرمایه‌گذار و نه دولت میزبان می‌پذیرد.

(۲) یکی از مسائل مهم کشورهای در حال توسعه انتقال تکنولوژی است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ماهیتاً نیازمند انتقال تکنولوژی است.

## منابع

اتوتایل، ژناروید، دالبی، سیمون و روتلج، پاول (۱۳۸۱). اندیشه‌های ژئوپولیتیک در قرن بیستم. ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.

ادیب، محمد حسین (۱۳۸۰). ایران و اقتصاد موج سوم، اصفهان: مؤلف.

- ادیب، محمد حسین (۱۳۸۰). ایران و سازمان تجارت جهانی، اصفهان: بی‌جا.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس.
- اقبال، ناصر، عاشوری، غلامرضا، نجفی، عباس و عالی فرجام، سجاد (۱۳۹۵). نقش ایران و آمریکا در امنیت خلیج فارس با تاکید بر دوران بعد از انقلاب اسلامی و استراتژی فرامنطقه ای ایران. فصلنامه علمی پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی. سال ۹، شماره ۱، ص ۲۵۰.
- بشریه، حسین (۱۳۸۲). موانع توسعه سیاسی در ایران، چاپ چهارم. تهران: گام نو.
- موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد (۱۳۸۲). فساد مالی و اقتصادی و ریشه‌ها و پیامدها، پیشگیری و مقابله: ریشه‌ها و علل فساد مالی و اقتصادی در ایران. جلد دوم. تهران: تدبیر اقتصاد.
- بی‌نام (۱۳۸۵). راهی برای جلوگیری از دولت رانت‌طلب، نشریه سرمایه.
- پيله فروش، میثم (۱۳۸۲). رانت و دولت رانتیر در ایران، نشریه مردم سالاری، شماره ۱۸۶، ص ۱۷۳.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۲). دولت و دموکراسی، تهران: روزنه.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۲). ظهور و تثبیت دولت رانتیر در ایران، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۴، ص ۸۲.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۷). رانت، دولت رانتیر و رانتینیسیم: یک بررسی مفهومی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی شماره‌های ۱۲۶-۱۲۵، صص ۱۳۶ و ۱۶۵.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حسن بیگی، ابوالفضل (۱۳۸۱). نفت بای‌بک و منافع ملی، تهران: آوای نور.
- خادم، فاضله (۱۳۸۵). اقتصاد و بازرگانی جهان: دورنمای ذخایر نفت و گاز خلیج فارس و بازار جهانی نفت. بررسی‌های بازرگانی، شماره ۱۹، ص ۴۹.
- خضری، محمد (۱۳۸۱). رانت و رانت‌جویی و هزینه‌های اجتماعی، گزارش تحقیقاتی پژوهشکده مطالعات راهبردی، شماره ۸۱/۱/۸، صص ۱۴-۱۲.
- شامبیانی (۱۳۷۶). مخالفت با دولت تحصیلدار، ترجمه عبدالقیوم شکاری، فصلنامه ۱۵ خرداد، شماره ۲۸، ص ۲۵۲.
- شکاری، عبدالقیوم (۱۳۸۷). نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طیبیان، محمد (۱۳۷۱). رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی، مجله برنامه و توسعه، شماره ۴، ص ۳.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۰). ژئوپولیتیک قرن ۲۱. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
- عزتی، عزت الله (۱۳۸۶). ژئوپولیتیک. تهران: انتشارات سمت.
- قاضی مهابادی، علیرضا (۱۳۷۹). اندیشه‌های رانتی آفت اصلی اقتصاد ایران، نشریه کیهان.
- قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸). اقتصاد سیاسی جهانی: درک نظام اقتصاد بین الملل. نقد و بررسی کتاب، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۲، شماره ۲، شماره مسلسل ۴۴، ص ۱۸۱.
- کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰). اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۲). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۵). حاکمیت ایران بر جزایر تنب و ابوموسی. تهران: انتشارات موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.
- مجله اقتصاد ایران، تیرماه ۱۳۸۲، ص ۳۱.
- مجله نفت، گاز، پتروشیمی، شماره ۲۵، ص ۲۸.
- میر ترابی، سعید (۱۳۸۴). مسائل نفت ایران، تهران: قومس.
- نصری، قدیر (۱۳۸۰). نفت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۴). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، چاپ یازدهم. تهران: نشر مرکز.



یاوری، کاظم و سعادت، رحمان (۱۳۸۴). اثر سرمایه گذاری خارجی بر رشد اقتصادی ایران: راهبردهای جایگزینی واردات و توسعه صادرات. فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع). شماره ۲۷. صص ۲۴-۲۵.

BP. (2013). BP Statistical Review of World Energy. London. Juane. Retrieved from [www.bp.com](http://www.bp.com). pp. 20.

EIA. (2013). International Energy Statistics. November. Available at: <http://www.eia.doe.gov/cabs/caspase.html>.

Giacomo, Luciani (1987). Allocation V.S. Production States: A Theoretical Framework, in Beblawi and Luciani (Eds). The Rentier State London: Croom Helm.

Gilpin, G. Robert (1987). The Theory of Hegemonic Stability. Available at: <http://faculty.Maxwell.Syr.edu/merupert/Teaching/Hegemonic%20Stability%20Theory.htm>. pp. 43.

Mahdavy, Hussein (1970). The Patterns and Proldems of Economic Development in Rentier State: The Case of Iran in M.A. Cook, (ED) Studies in Ecinomic History of the Middle East, Loon: Oxford University Press.

Najmabadi, Afsaneh (1987). Depolitization of a Rentier State: the Case of Pahlavi Iran the Rentier State, (Eds), Hazem Beblawi and Giacomo Luciani, London: Groom Helm.

